

جشنواره تیرگان

جشنواره تیرگان

شنبه, 03/21/1390 - 17:10

گزارش زندگی ما - شماره ۲۲

شهرنوش پارسپور



شهرنوش پارسپور - زمانی که ما کودک بودیم کانادا جایی بسیار دور در انتهای دنیا بود و در سایه‌ی آمریکا گم شده بود. آمریکا هم عبارت می‌شد از رنگ‌های تند بنفش و نارنجی و آبی فیلم‌های کمپانی فوکس قرن بیستم. جهان کودکی ما در خیابان‌های امیریه و قزوین می‌گذشت و سینما داریوش و نور. اسم کانادا را شنیده بودیم و سال‌ها بعد در سنین بلوغ کاناداداری هم وارد کشور شد که آن را می‌نوشتیدیم و لاجرم به یاد کانادا می‌افتادیم.

 فایل صوتی را از اینجا بشنوید! (MP3/32kbps) [1]

در درس جغرافیا خواندیم که کانادا پس از شوروی بزرگترین کشور دنیاست، با جمعیت کم و سرمای زیاد. گفته می‌شد که این کشور در جوار آلاسکا و قطب شمال قرار دارد. هرگز در زندگی فکر نمی‌کردم مقیم آمریکا بشوم و با کانادا همسایه. نخستین باری که از کانادا بازدید کردم سال ۱۹۹۲ بود. سفری شتابزده به ونکوور، تورنتو مونترال و اتاوا. سخنرانی برای ایرانی‌هایی که به‌طور غیر منتظره‌ای شمارشان بسیار زیاد بود. در آن سفر شتابزده ابداً فرصت نداشتیم بفهمم چرا شمار ایرانی‌های مقیم در کانادا اینقدر زیاد شده است. البته طبیعتاً می‌شد درک کرد که انقلاب زیبای سال ۵۷ ایرانی‌ها را به اطراف جهان پراکنده است. کانادا سهمیه‌ی قابل تأملی را به خود اختصاص داده بود. این سهمیه روز به روز بیشتر شده است. تورنتو حالا یک پا خودش تهران است.

هرگز فکر نمی‌کردم که برای گفت‌وگو با بخشی از اقوام باید با شهر «وینی‌پیک» تماس بگیرم. هنوز هم تصور درستی از جای این شهر ندارم. اما تورنتو دیگر خیلی خودمانی شده است. ایرج رحمانی، نویسنده‌ی خوب ایرانی مقیم کانادا در رمان خود «اتفاق همان‌طور که نوشته می‌شود، می‌افتد» چهره‌ی قابل تأملی از تورنتوی ایرانی‌شده را در برابر چشم خواننده می‌نهد. زن قهرمان کتاب عاشق مردی آمریکایی‌ست که مولانا درس می‌دهد. تورنتو در این کتاب که پر است از شخصیت‌های ایتالیایی و ویتنامی و دیگر مردمان دنیا یک هویت کاملاً ایرانی پیدا می‌کند.

در حقیقت بخشی از بهترین نویسندگان ایران در تورنتو زندگی می‌کنند. ساسان قهرمان و ساقی





قهرمان از دیگر شخصیت‌های ادبی این شهر هستند، و دکتر رضا براهنی. این شهر پر است از بقالی‌های ایرانی و ارتباط تنگاتنگی میان دو کشور به‌وجود آمده است. ماریا صباپه در وبسایت خود می‌نویسد که در سفر به ایران احساس می‌کند از هموطنان ایرانی خود عقب مانده‌تر است. آن‌ها مانند‌هایی بسیار کوتاه‌تر از او می‌پوشند و آرایش‌های بسیار غلیظتری دارند. او شگفت‌زده است که جریان مد در ایران چگونه اداره می‌شود. در کانادا او می‌تواند چند نشریه بخرد و بداند که در عالم مد چه می‌گذرد، اما در ایران ناگهان همه از مدی تقلید می‌کنند که روشن نیست از چه طریق آن را شناخته‌اند. ایرانی‌های کانادا مرتب در حال رفت و آمد به ایران هستند، و همه چیز را درباره‌ی این کشور می‌دانند، و علاوه بر آن کارشان به جایی رسیده است که جشنواره برگزار می‌کنند.



«تیرگان» یک جشنواره‌ی ایرانی‌ست که امسال نیز در تورنتو کانادا برگزار می‌شود. این جشنواره را کانون فرهنگی هنری ایرانیان کانادا (آی سی سی ۱ سی) در حد فاصل روزهای ۲۱ تا ۲۴ جولای سال ۲۰۱۱ برگزار خواهد کرد. بیش از ۵۰ برنامه در زمینه‌های موسیقی، رقص، ادبیات، سینما، تئاتر و هنرهای تجسمی، و برنامه‌های ویژه‌ی کودکان و نوجوانان عرضه می‌شود. از میان این‌همه برنامه تنها چهار برنامه همراه با فروش بلیت خواهد بود. باقی برنامه‌ها به‌طور رایگان در اختیار بازدیدکنندگان خواهد بود. تیرگان همچنین دو مسابقه در زمینه‌ی داستان و فیلم کوتاه نیز برگزار می‌کند. هرگز باور نمی‌کردم جامعه‌ی ایرانیان مقیم کانادا به آن رقیمی برسد که بتواند چنین برنامه‌ی گسترده‌ای برگزار کند. جالب است که بدانیم بیش از ۲۰۰ داوطلب برای برگزاری جشنواره تیرگان فعالیت می‌کنند، و در سال ۲۰۰۸ جشنواره ۶۰ هزار بازدیدکننده داشته. پیش‌بینی می‌شود که شمار بازدیدکنندگان امسال به صد هزار نفر برسد. تیرگان فرصت نادری‌ست برای ایرانیان تا سفری همه‌جانبه در تاریخ فرهنگ ایران داشته باشند، تا نگاه تازه‌ای بدون پیش‌داوری مثبت یا منفی مبتنی بر آگاهی به خود داشته باشند و فرهنگ ایران را به مردم کانادا عرضه کنند.

در جست‌وجوی مطلب درباره‌ی جشنواره تیرگان به نام آیدا ساکی برخوردیم. وبسایت او ضمیمه‌ی نامش بود. تماشای رقص این نوجوان هفده ساله شگفت‌انگیز بود. شاهرخ مشکین قلم از دیگر شرکت‌کنندگان در تیرگان سال ۲۰۱۱ است. رقص شاهرخ از گونه‌ای‌ست که یکبار تماشای آن برای همیشه در خاطر می‌ماند. بهرام بیضایی از دیگر شرکت‌کنندگان این جشنواره است. بهرام بیضایی این روزها در دانشگاه استانفورد خوش درخشیده است. کلاس‌های او در زمینه‌ی سینما و اسطوره تا ۳۰۰ نفر شرکت‌کننده دارد. این شرکت‌کنندگان در کلاس، همیشه هیجان‌زده از بهرام بیضایی حرف می‌زنند. نیما کیان از دیگر شرکت‌کنندگان در فستیوال است. همه‌ی این‌ها در تورنتو گرد هم می‌آیند. این تورنتو نوعی هویت ایرانی پیدا کرده است. ماریا صباپه، یکی از برگزارکنندگان این فستیوال است. بانویی جوان و پرانرژی. عباس معروفی هم هست که بناست داور مسابقات داستان‌نویسی باشد.



تورنتو در سال ۱۸۲۴ شهریت یافته است. هوای آن بسیار سرد و به قول خود کانادایی‌ها دارای دو فصل است: زمستان و جولای. جشنواره‌ی تیرگان هم در همین ماه جولای برگزار می‌شود. خاطراتی که از سفر به تورنتو دارم با سرما درآمیخته است. اینک بناست برای سومین بار به این شهر بروم تا در فستیوال تیرگان شرکت کنم. از حالا دچار هیجان شده‌ام. پرواز من برای روز ۲۱ جولای تعیین شده است. ابدأ دچار این حس نیستم که به جای بیگانه‌ای دعوت شده‌ام. بناست بخش‌هایی از کتاب‌هایم را بخوانم. از حالا به این می‌اندیشم که چه کسانی را ملاقات خواهم کرد. به این فکر می‌کنم که پس از بازگشت از تورنتو دوباره مقاله‌ای برایتان بنویسم. اگر به‌راستی بناست صد هزار نفر از این فستیوال بازدید کنند باید فضای هیجان‌آوری در شهر به‌وجود آید.

یک دوست یهودی یکبار به من گفت که بسیار خوشحال است که ایرانی‌های مسلمان هم همانند یهودیان آواره دور دنیا شده‌اند و شاید حالا معنای آوارگی را درک کنند. البته حالا می‌توان با پوست و گوشت و خون معنای آوارگی را درک کرد، اما ترتیب دادن فستیوالی که صد هزار نفر در آن شرکت کنند چندان بویی از آوارگی در خودش ندارد. برعکس نشان می‌دهد که یک قوم به‌راحتی در میان اقوام دیگر جا افتاده است. منتهی این هست که ایرانی‌ها دارند روز به روز بیشتر ارزش کار خود را درک می‌کنند. در تمام دنیا ایرانی‌ها دارند فردوسی می‌خوانند، از مولانا و حافظ حرف می‌زنند و ارزش‌های فرهنگی کشور خود را پاس می‌دارند.

حشواره‌ی تیرگان یکی از این ارزش‌هاست که خود به ارزش‌ها بهاء می‌دهد؛ و نمی‌دانم چرا اکنون به یاد جشن هنر شیراز می‌افتم. این جشنواره بسیار موفق بود و البته مرتجعان را به شدت به جنبش انداخته بود. اما همین حالا هنگامی که ایرانیان در ایران فیلم می‌سازند یا نمایش به روی صحنه می‌آورند من رد پای جشن هنر و تاثیر آن را می‌بینم. شاید تیرگان در آینده‌ی هنری ایران همین نقش را بازی کند. شاید بتواند به حلقه‌ی ارتباطی میان فرهنگی‌های پراکنده‌ی ایران به دور جهان تبدیل شود. اگر چنین باشد خوش درخشیده است و آینده‌ی سبزی دارد.

عکس‌ها:

نشان جشنواره‌ی تیرگان، شاه‌رخ مشکین‌قلم، آیادا ساکی، بهرام بیضایی

در همین زمینه:

هنرنمایی، آیادا ساکی، هنرمند نوجوان ایرانی: [2]

شاه‌رخ مشکین‌قلم و رقص «دار»: [3]



[4]

Tags: جشنواره تیرگان [5], روایت زمانه [6], شهرنوش پارس‌پور [7]



[8]

حشواره تیرگان روایت زمانه شهرنوش پارس‌پور

Source URL: <http://www.radiozamaneh.com/culture/revayat/2011/06/11/4610>